

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

بررسی و تحلیل حوادث فتنه منطقه شام (سوریه)^۱ قبل از ظهور

سید محمدرضی آصف آگاه^۲

مصطفی امیری^۳

چکیده

فتنه منطقه شام قبل از ظهور صحنه رویارویی، اختلاف بین رحمان (جریان اصهب و جریان ابقع)، حضور ترک‌ها و رومی‌ها خواهد بود که سرانجام منجر به قدرت رسیدن آخرین حاکم دمشق (سفیانی) قبل از ظهور خواهد گردید. سفیانی که توسط مثلث «روم، یهود و عرب» حمایت و پشتیبانی می‌شود، ابتدا بر دمشق و سایر مناطق الکور الخمس مسلط می‌گردد و آن‌گاه بعد از پیروزی در جنگ قرقیسیا، عزم حمله به عراق را خواهد داشت. در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر روایی، ترتیب «فتنه حوادث منطقه شام قبل از ظهور» ترسیم خواهد شد.

۱. ذکر عبارت «حوادث منطقه شام و سوریه» از باب عطف «خاص بر عام» است که در اسلوب قرآن نیز به کار رفته است «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ» (بقره: ۲۳۸)؛ فایده این‌گونه عطف و ذکر خاص به صورت جداگانه بعد از عام، برای بیان اهمیت آن است. در ما نحن فیه نیز هر چند در احادیث از دیگر مناطق شام سخن به میان آمده است اما محدوده اختلاف رحمان و جنگ با تعیین کلیدواژه‌هایی همچون «دمشق» پایتخت سوریه «يَسْتَوِي عَلَىٰ مَنبَرٍ دِمَشْقَ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶؛ حنبلی، ۱۴۲۷: ۲۹۹) «حمص» در جنوب سوریه و «حلب» در شمال سوریه «الْكُورُ الْخَمْسُ: ... وَ حَمَصٌ وَ حَلَبٌ: از مناطق واقع در سوریه» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۴) «وادی یابس در درعا» جنوب سوریه «يَخْرُجُ ابْنُ أَكَلَةَ الْأُكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ: محل ورود سفیانی» (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۶۵۱) «قرقیسیاء» در شرق سوریه «يَمُرُّ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسِيَاءَ: جنگ سفیانی در شرق سوریه قبل از حمله به عراق» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰) به روشنی نشان می‌دهد که فتنه شام بیشتر بر سوریه متمرکز شده است.

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (masefagah@isca.ac.ir).

۳. طلبه حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (Mostafaamiri1361@gmail.com).

واژگان کلیدی

فتنه، منطقه شام، سوریه، قبل از ظهور، سفیانی، دمشق.

دیدهبانی حوادث کشورهای تاثیرگذار و نقش آفرین در عصر ظهور

چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان، وجود دارد که شناخت و رصد کردن تحولات مربوط به آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ در علم «آینده پژوهی» یاری دهد. این کانون‌های مرکزی عبارت است از: منطقه شام و سوریه، ایران، عراق، فلسطین و عربستان؛ کشورهای مذکور در جغرافیایی عصر ظهور و در مثلث «مکه، کوفه و قدس»، مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها، قبل از ظهور اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت آور رخ خواهد داد که تاثیرات داخلی و منطقه‌ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیدهبانی سیاسی و نظامی این کشورها در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده پژوهانه مهدوی، داشته باشد. و این امر محقق نخواهد شد جز با رصد تحولات و نشانه‌های ظهور و بویژه حوادث در احادیثی که به حوادث و اتفاقات قبل از علائم و نشانه‌های حتمی ظهور در کشور سوریه، عراق، عربستان و ... اشاره دارند. از این رو، شناخت این علائم، تکلیف آور خواهد بود. برخی از فقیهان نیز تصریح به وجوب شناخت این نشانه‌ها کرده و فرموده‌اند:

معرفة علائم الظهور، الظاهر هو وجوبها؛ حذرا عن الوقوع في الضلالة ودفعاً للضرر المحتمل. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۳، ۳۰۳)

هم‌چنین، از نظر علم آینده پژوهی و مطالعه رویدادهای آینده و تحلیل آنها، هر نوع علامت مورد توجه قرار می‌گیرد و نمی‌توان به آنها بی‌اعتنا بود. در واقع آینده پژوهی در صدد ایجاد آمادگی در مردم در حالت‌ها و سناریوهای مختلف است و می‌کوشد مردم در برابر حوادث آینده غافل‌گیر نشده و تکالیف و مسئولیت‌های خود را فراموش نکنند.

در این نوشتار، حوادث «فتنه شام قبل از ظهور» براساس دو روایت شیعی معتبر در *الغیبه* شیخ طوسی (حدیث رجفه الشام) و *الغیبه* نعمانی (حدیث جابر جعفی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ) ترسیم خواهد شد.

ترتیب حوادث منطقه شام قبل از خروج سفیانی

روایات متعددی در مورد حوادث قبل از سفیانی در جوامع روایی موجود است. این احادیث



مربوط به کشورهای مختلف حادثه خیز قبل از ظهور در مثلث «عراق، منطقه شام و فلسطین» است. از جمله طبق احادیث صحیحه و موثق در کتاب *الغیبه نعمانی* و *الغیبه شیخ طوسی*، قبل از خروج سفیانی سلسله حوادثی در «فتنه منطقه شام» رخ می دهد که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرند:

روایت اول: حدیث رجفه الشام

از جمله روایاتی که حوادث منطقه شام قبل قیام سفیانی را ترسیم کرده است روایت موثق از امام علی در کتاب *الغیبه شیخ طوسی* است که به طریق دیگر در کتاب *الغیبه نعمانی* نیز تکرار شده است، مراحل و حوادث قبل از خروج سفیانی در منطقه شام چنین نقل شده است:

إِذَا اِخْتَلَفَ رُحْمَانٌ بِالشَّامِ فَهُوَ آيَةٌ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ تَعَالَى قَبِيلٌ مِمَّ مَهْ (مادا) قَالَ ثُمَّ رَجَفَتْ تَكُونُ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا إِلَى أَصْحَابِ الْبِرَازِيزِ الشُّهْبِ وَالرَّيَّاتِ الصُّفْرِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶) فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا حَسَفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقَ يُقَالُ هَذَا حَرَسْتَا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ حَرَجَ ابْنُ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خُرُوجَ الْمُتَهْدِي (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۵۳):

وقتی دو نیزه مخالف هم (دو جبهه نظامی) در منطقه شام درگیر شوند، آن نشانه از نشانه های خدا است. گفته شد: سپس چه می شود؟ فرمود: رجفه در منطقه شام است که بیش از صد هزار نفر (کنایه از کثرت کشته ها) هلاک می شوند که برای مومنان رحمت و برای کافران عذاب است، سپس در انتظار ورود نیروهای نظامی پرچم های زرد رنگ از مغرب منطقه شام و نیز البرازین الشهب باشد که به سرزمین شام وارد خواهند شد سپس در انتظار خسف منطقه حرستا دمشق در سوریه باشید و بعد از آن منتظر خروج سفیانی، پسر هند جگرخوار باشید که از وادی یابس (مرز بین اردن و سوریه در منطقه درعا در جنوب سوریه) خروج می کند تا بر دمشق در سوریه تسلط یابد و بعد از آن منتظر ظهور و قیام امام عصر عجل الله فرجه باشید.

بررسی سند

در سند این روایت، راویان ثقه و مهمل وجود دارد، اما قداماء به احادیث راویان مهمل عمل می کرده اند «أَنَّ الْقَدَمَاءَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِالْمَهْمَلِ كَالْمَمْدُوحِ» (شوشتری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۴؛ رحمان ستایش، ۱۳۹۶: ۸۸-۹۰) کما این که متأخرین نیز عدم ذکر راوی در کتب رجال، را دلیل ضعف راوی نمی دانند. (بروجردی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۷۱) اما اشکال اصلی سند، قرار گرفتن مغیره بن

سعید در طریق حدیث است. او دو دوره متمایز را در حیاتش پشت سر گذاشته است. مدتی بر مذهب حق بوده و در آن دوران از راویان امام باقر به شمار میرفته اما بعدها مؤسس فرقه مغیره گردید و مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفت (کشی، ۱۴۰۹: ۱۹۲ و ۲۲۳) لکن قدحی بر نقل احادیث وی در دوران استقامت وارد نمی‌شود. مضاف بر این که، محتوای این حدیث همچون: اختلاف و فتنه شام، خسف حرستا و خروج سفیانی در احادیث متعدد گزارش شده است.

بررسی دلالت

نیاز است عبارت‌های به کار رفته در این روایت مورد بررسی قرار گیرند:

اختلاف الرمحان: صف آرای دو جبهه نظامی

عبارت اول: اِخْتَلَفَ الرُّمَحَانُ بِالشَّامِ

اولین واقعه‌ای که به وقوع می‌پیوندد اختلاف میان دو نیزه (دو جبهه مخالف) در آغاز فتنه شام است. رمح در لغت به معنای نیزه است و در اینجا معنایی کنایی آن مراد است؛ یعنی دو جبهه نظامی متقابل.

در واقع «رمحان» اشاره به پرچم نظامی ابی‌جع و اصهب «رایه الاصبه و رایه الابقع»، به عنوان دو جبهه نظامی مخالف هم در فتنه شام دارد که در ادامه سفیانی بر آنها پیروز خواهد شد.^۱

رجفه الشام: جنگ در منطقه شام قبل از ظهور

عبارت دوم: رَجْفَةُ تَكُونُ بِالشَّامِ تَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِائَةِ أَلْفٍ

احتمالات در معنای رجفه

براساس این روایت، دومین واقعه در منطقه شام عبارت است از «رجفه». مراد از رجفه چیست؟ چند احتمال است. مراد زلزله، صاعقه و جنگ است. در ادامه این احتمالات مورد بررسی قرار می‌گیرند:

احتمال اول و دوم: عذاب زمینی (زلزله)، یا عذاب آسمانی (صاعقه)

۱. ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَأْيَاتٍ: رَأْيَةَ الْأَصْهَبِ وَ رَأْيَةَ الْأَبْقَعِ وَ رَأْيَةَ السُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبَ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹، عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴، طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۲، مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵ و مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۲. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷).

اصل معنای رجفه، اضطراب و لرزش شدید می باشد. الرجفة: الاضطراب الشديد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۴؛ مفردات الفاظ القرآن، ۳۴۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۹۱) که اگر در زمین رخ دهد به معنای زلزله است: رَجَفَتِ الْأَرْضُ، تزلزلت (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۷، ۸۹) و اگر از آسمان رخ دهد هم چون صاعقه ای که در میقات بر قوم موسی فرود آمد (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۶۴) به معنای عذاب آسمانی خواهد بود: «كل عذاب أنزل فأخذ قوما فهو رَجْفَةٌ».

(فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۶، ۱۰۹)

احتمال سوم: جنگ

رجفه در لغت عرب، قرآن و احادیث الزاماً و همیشه به حادثه زمینی و زلزله اطلاق نمی شود، بلکه تنها یکی از معانی رجفه، زلزله است. رجفه به معنای جنگ بر سر ملک و حکومت نیز می باشد: «رَجَفَ الْقَوْمُ إِذَا تَهَيَّؤُوا لِلْحَرْبِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ۱۱۳) «تَنَاوُلُ بَعْضِهِمْ بَعْضًا بِالْعِصَى وَالسُّيُوفِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۲۸) «إِذَا تَقَاتَلُوا عَلَى الْمُلْكِ» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۴۱)

علاوه بر کتاب های لغت، در منابع حدیثی اصیل و معتبر شیعی، واژه رجفه با قرینه در معنای جنگ نیز استعمال شده است:

فلما بلغ أهل الكوفة هلاك معاوية، أرفج أهل العراق بيزيد وقالوا نقاتل؛
هنگامی که خبر هلاکت و مرگ معاویه به اهل کوفه رسید، اهل عراق اعلان قیام و جنگ بر علیه یزید کردند و گفتند: با یزید خواهیم جنگید. (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۸۹)

بررسی احتمالات

سه احتمال و سه تفسیر در معنای «رجفه الشام» هست: ۱. حادثه زمینی (زلزله)؛ ۲. حادثه آسمانی (صاعقه، یا حمله با سلاح مرگ بار و قتل بیش از صد هزار نفر)؛ ۳. جنگ در منطقه شام.

از آن جا که اصل ماده رجفه به معنای اضطراب شدید می باشد، هر آن چه موجب این اضطراب شود در دایره معنایی این عبارت می گنجد؛ پس علاوه بر زلزله و صاعقه، سلاح های زمینی یا آسمانی به کار رفته در جنگ که موجب اضطراب شدید شود نیز می تواند مراد باشد. با رجوع به معنای گوهری واژه رجفه (اضطراب)، دایره معنایی این واژه گسترش یافته و علاوه بر بلایای طبیعی، بلایای غیر طبیعی و ساخته بشر را نیز در بر می گیرد.

قرائن استعمال رجفه در معنای جنگ

چنان‌که گذشت، واژه رجفه با قرینه می‌تواند به معنای جنگ به‌کار رود، این قرائن عبارتند از:

قرینه اول: به کار رفتن عبارت رجفه بعد از عبارت اخترف الرمحان: عبارت اخترف الرمحان اشاره به مرحله اول درگیری و ایجاد اختلاف در منطقه شام است. قرار گرفتن عبارت رجفه پس از آن می‌تواند اشاره به مرحله دوم و بیان وقوع جنگ باشد. در حقیقت این دو عبارت، اشاره به دو مرحله اختلاف و جنگ می‌باشند.

قرینه دوم: معنای لغوی رجفه، اضطراب شدید است و این اضطراب می‌تواند طبیعی و یا با سلاح‌های دست‌ساز بشر باشد، اما از آن‌جا که این‌گونه سلاح‌ها بیشتر در جنگ‌ها به‌کارگیری می‌شوند، واژه رجفه می‌تواند اشاره به جنگ باشد.

قرینه سوم: مقام بیان درگیری: این روایت در مقام بیان درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه شام است. در این روایت با عبارات متعدد پرده از تقابل دو گروه اصلی درگیر و متخاصم دارد؛ عباراتی مانند اخترف الرمحان، اصحاب البرازین، الرايات نظامی الصفر.

البته این قرائن دلالت تام بر این‌که رجفه به معنای جنگ است، ندارند و این احتمال نیز هست که مراد بلایای زمینی یا آسمانی باشد؛ در این صورت در این روایت دو دسته حوادث بشری و بلایای طبیعی جمع شده است.

دو احتمال در معنای تَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مَائَةِ أَلْفٍ:

احتمال اول، بیشتر از صد هزار نفر در این جنگ یا بلای طبیعی هلاک می‌شوند. احتمال دوم، مراد کثرت است، نه عدد خاص. درحقیقت این عبارت کنایه است از کشته شدن تعداد زیاد.

اصحاب البرازین الشهب المحذوفه: نظامیان مسلح به سلاح‌های جنگی آتشین

عبارت سوم: أَصْحَابِ الْبَرَاذِينِ الشُّهْبِ الْمُحْذُوفَةِ وَالرَّايَاتِ الصُّفْرِ تُقْبِلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ.

سومین واقعه عبارت است از ورود نظامیان با ادوات جنگی مجهز و پرچم‌های زرد به صحنه تحولات میدانی فتنه شام

ابتدا لازم است واژه‌های این قسمت از روایت معنا شوند:

البرازین: جمع بردون و هو الدابة و هی آلات التنقل. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۵۱)

الشهب: الشعلة الساطعة من النار الموقدة و من العارض فی الجو (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۶،



۱۵۲)؛ وکتیبه شهباء أی لِمَا فِيهَا مِنْ بِيَاضِ السِّلَاحِ وَ الْحَدِيدِ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۰۸).
المحذوفه: يستعمل فی الرمی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ۴۰)؛ بنابراین، ادوات و ماشین‌های
جنگی مجهز به پرتاب سلاح با سرعت فراوان که شعله‌های آتش از آن زبانه می‌کشد را البراذین
الشهب المحذوفه گویند.

احتمالات در معنای البرازین الشهب

پرسش آن است که مراد از اصحاب البرازین الشهب المحذوفه چیست؟ آیا مراد اسب
سوارانی است که هنگام راه رفتن از برخورد سم‌های آنها با سنگ‌ها آتش شعله‌ور می‌شود مانند
آنچه در سوره عادیات در وصف نظامیان اسب‌سوار پیامبر ذکر شده است؟ یا مراد نظامیان اسب
سواری است که همراه آنان سلاح آتش‌زنه وجود دارد؟ یا مراد نظامیانی است که وسایل نقلیه
مجهز به ادوات جنگی آتش‌زا مانند موشک دارند؟

بررسی احتمالات

هر چند ظاهر عبارت اصحاب البرازین، اسب سوار است اما هم‌چنان که مراد از القائم
بالسيف کنایه از قدرت نظامی و قیام مسلحانه است، در این‌جا نیز مراد از اصحاب البرازین،
نظامیان مسلح به ادوات و سلاح‌های جنگی آتشین می‌تواند باشد که کنایه از قدرت نظامی
ویژه است.

لازم به ذکر است و همان‌گونه که ذکر گردید، هر چند در احادیث از مناطق مختلف شام سخن
به میان آمده است اما محدوده اختلاف رحمان و جنگ در فتنه شام با تعیین کلیدواژه‌هایی
همچون دمشق، حمص، حلب، درعا و قرقیسیا متمایز شده است. بدین معنا که «دمشق»
سوریه به عنوان مرکز حاکمیت سفیانی «بِسْتَوَى عَلَى مَبْرِ دِمَشْقِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶؛
حنبلی، ۱۴۲۷: ۲۹۹) «حمص» در جنوب سوریه و «حلب» در شمال سوریه «الْكُورِ الْخَمْسِ: ...
وَ حِمصٌ وَ حَلَبٌ: از مناطق واقع در سوریه و جزو الكور الخمس» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۴) «وادی
یابس در درعا» جنوب سوریه «يَخْرُجُ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ: محل ورود سفیانی»
(صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۶۵۱) «قرقیسیاء» در شرق سوریه «يَمُرُّ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسِيَاءَ: جنگ سفیانی
در شرق سوریه قبل از حمله به عراق» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰) به روشنی نشان می‌دهد که فتنه
شام بیشتر بر سوریه متمرکز شده است.

خسف حرستا در دمشق سوریه

عبارت چهارم: خَسَفَ قَرْيَةَ مِنْ دِمَشْقَ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا

چهارمین حادثه‌ای که در این روایت گزارش شده، فرو رفتن منطقه‌ای از توابع دمشق است که حرستا^۱ نامیده می‌شود. درباره ماهیت خسف حرستا در دمشق قبل از ظهور، به تفصیل در مبحث خسف جابیه، سخن به میان خواهد آمد. هم‌چنین قرائن وحدت یا تعدد خسف در منطقه شام قبل از ظهور نیز بیان خواهد شد.

لازم به ذکر است مضمون و محتوای حدیث فوق (حدیث رجفه الشام) در منابع اهل سنت هم‌چون: *البدء والتاریخ* (المقدسی: ج ۲، ۱۷۷)، *فرائد فوائد الفکر* (حنبلی، ۱۴۲۷: ۲۹۹)، *عقد الدرر* (شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴)، *اهوال یوم القیامه وعلاماتها الکبری* (سفارینی نابلسی، بی‌تا: ۲۴؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ۵۸۷) به نقل از امام علی علیه السلام نیز ذکر شده است.

روایت دوم: حدیث جابر جعفی از امام باقر علیه السلام

ترتیب دقیق‌تر «حوادث و نشانه‌های قبل از خروج سفیانی» در منطقه شام در ضمن حدیث جابرجعفی از امام باقر علیه السلام در کتاب *الغیبه نعمانی* ذکر شده است که جزئیات این حوادث را به تفصیل بهتری بیان کرده است:

وَجِئْتُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَيْحِ وَخَسَفَ قَرْيَةً مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَيْمَنِ وَمَارِقَةٌ تَمْتَرُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ وَيَعْقُبُهَا هَوِجُ الرُّومِ^۲ وَسَيُقْبَلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ^۳ وَسَتُقْبَلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ... ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ زَايَاتٍ زَايَةِ الْأَصْهَبِ وَزَايَةِ الْأَبْقَعِ وَزَايَةِ السُّفْيَانِي (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷)؛

صوتی بر دمشق همراه با فتح برای شما می‌آید و خسف در منطقه جابیه رخ خواهد داد و بخشی از مسجد دمشق نیز تخریب خواهد شد، سپس خروج کنندگانی در منطقه شام از سمت ترک‌ها، ساکنان واقع در نواحی هم‌مرز با ترک‌ها خروج خواهند کرد و آن‌گاه هرج‌وروم (فتنه، اختلاف و قتل و چه بسا جنگ جهانی بین رومی‌ها و کشورهای



۱. حرستا: قرية كبيرة عامرة وسط بساتين دمشق... تقع شمال مدينة دمشق. (حموی، ۱۹۷۹: ج ۲، ۲۴۱ و ۳۵۹)

۲. در نسخه الاختصاص شیخ مفید، تعبیر مرج الروم، می‌باشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵)

۳. در نسخه تفسیر العیاشی «فإذا رأيت الترك جازوها فأقبلت الترك حتى نزلت الجزيرة» می‌باشد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱،

غربی) را فرا خواهد گرفت. اخوان الترق، پیشروی نظامی خویش را تا مناطق الجزیره سوریه ادامه می دهند (جزیره الشام، به مناطق شمال شرق سوریه متصل به مرز عراق اعم از الحسکه و دیرالزور و الرقة، اطلاق می شود)؛ و نیز خروج کنندگانی از رومیان در منطقه رمله در فلسطین نیروی نظامی پیاده می کنند... سپس سه پرچم نظامی اصبه، ابقع و سفیانی در منطقه شام با یکدیگر به جنگ و اختلاف خواهند پرداخت.

لازم به ذکر است بخشی از محتوای حدیث جابر جعفی از امام باقر، نیز در کتاب نفیس و گرانبهای *الاصول السنه عشر* (از معدود میراث باقی مانده از «اصول اربعمائه» می باشد که شانزده اصل از مصنفات شیعه امامیه در این کتاب، احیاء شده است) به طریق و سند متفاوت «جعفر شرع الحضرمی از ابراهیم بن جبیر از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام» وجود دارد.^۱ مضاف بر این که، محتوای حدیث جابر از امام باقر علیه السلام در کتاب اهل سنت از جمله: در کتاب *عقد الدرر مقدسی* شافعی (مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ۱۲۴ و ۷۹)، *الفصول المهمه* ابن صباغ مالکی (ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمه*، ج ۲، ۱۱۳۱) نیز گزارش شده است.

بررسی سند

حدیث جابر جعفی از امام باقر از چند طریق سندی مختلف و در چندین کتاب معتبر حدیثی شیعه از جمله: کتاب *الغیبه* (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ کتاب التفسیر عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴)، کتاب *الغیبه* (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۲)، کتاب *الاختصاص* (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵) و کتاب *الارشاد* (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۲) و در منابع حدیثی متاخر همچون *بحار الانوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۲ و ۲۳۷) ذکر شده است؛ لکن، کامل ترین شکل این روایت از نظر متن و سند، در کتاب *الغیبه* نعمانی بیان شده است. لازم به ذکر است، حدیث جابر جعفی از امام باقر علیه السلام - در تشریح حوادث فتنه شام قبل از ظهور - «حدیث صحیحه اعلائی» و در زمره «معتبرترین» احادیث مهدویت از دیدگاه وثاقت سندی و محتوایی می باشد. (رستمی، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۵؛ آیتی، ۱۳۹۰: ۸۴؛ ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۷، ۱۰۰ و ۱۲۵)

۱. در این کتاب نفیس و گرانبها، اصل پنجم احیاء شده از اصول اربعمائه شیعه، اصل جعفر بن محمد بن شرع حضرمی است؛ این اصل، چهار نوع اخبار دارد. از جمله آن: اخبار و احادیث جعفر شرع حضرمی از ابراهیم بن جبیر از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام که بخشی از محتوای حدیث به این شکل نیز نقل شده است: جَعْفَرُ، عَنْ اِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام: صَغَّ حَذَّكَ الْأَرْضُ، وَلَا تُحَرِّكْ رِجْلَيْكَ حَتَّى... (عده محدثین، ۱۴۲۳: ۲۴۸)

بررسی دلالت

این روایت دارای عبارات مختلفی است که نیازمند بررسی می‌باشند:

ندا و صوت از دمشق بالفتح: بشارت فتح و پیروزی

عبارت اول: بَجِيئِكُمُ الصَّوْتُ مِنْ نَاجِيَةِ دِمَشْقٍ بِالْفَتْحِ

حادثه دیگر در خلال سلسله حوادث فتنه شام، بلند شدن صدای پیروزی از ناحیه دمشق است. گویا با ورود نظامیان با پرچم زرد به صحنه درگیری - که در روایت پیشین گزارش آن آمد - جنگ به نفع این لشکر می‌شود و صدای پیروزی بلند می‌شود.

خسف جایبه: احتمال زلزله دمشق قبل از ظهور

عبارت دوم: تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَةَ

یکی از حوادثی که در این روایت بیان شده عبارت از فرو رفتن منطقه جایبه است. در روایت دیگر نیز خسف حرستا گزارش شد. در این که دو خسف به وقوع می‌پیوندد، یا این دو گزارش مربوط به یک خسف است، به صراحت نمی‌توان اظهار نظر نمود.

قرائن تعدد خسف: ۱. ظهور کلام: نام بردن از دو مکان (حرستا و جایبه) ظهور در تعدد خسف به تعدد مکان خسف دارد؛ پس در منطقه شام خسف‌های متعدد اتفاق می‌افتد؛ ۲. تفاوت زمان خسف: نام بردن از دو خسف، ظهور در تفاوت زمان این دو خسف دارد.

قرائن خسف واحد: ۱. نزدیکی دو مکان: بین حرستا و جایبه چند کیلومتر بیشتر فاصله نیست^۱ و از نظر عرف لرزش زمین در دو مکان نزدیک، یک زلزله به حساب می‌آید؛ ۲. در منابع شیعی بیشتر از جایبه و در منابع اهل سنت از حرستا نام برده شد. می‌توان گفت تفاوت واقعی میان این دو خسف نیست و از جهت نزدیکی میان این دو مکان در برخی منابع حرستا و در منابع دیگر جایبه نامیده شد.

به قرینه روایت ذیل که قرابت محتوایی با حدیث خسف جایبه و خسف حرستا دارد، می‌توان دریافت خسف «واحد و ناشی از زلزله» بوده که در دمشق قبل از ظهور رخ خواهد داد:

رَجَفَتِ الْأَرْضُ فَأَنْفَعَرَ عَرِيٌّ مَسْجِدُهَا وَيُخَسَفُ بِقَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا ثُمَّ يَخْرُجُ عِنْدَ ذَلِكَ الشُّفْيَانِيُّ (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۱۸۱؛ شافعی، ۱۴۲۸: ۸۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۴۵):

۱. بین جایبه و حرستا، حدود ۱۰ کیلومتر فاصله است. در متون تاریخی ذکر شده که سر مبارک امام حسین علیه السلام از باب الجایبه وارد دمشق گردید؛ جایبه: قریه من اعمال دمشق و احد بوابات دمشق. (حموی، ۱۹۷۹: ج ۲، ۹۱) حرستا: قریه کبیره عامرة وسط بساتین دمشق... تقع شمال مدینه دمشق. (حموی، ۱۹۷۹: ج ۲، ۲۴۱ و ۳۵۹)

زلزله رخ می‌دهد و سمت غرب مسجد دمشق نیز در زمین فرو می‌رود و منطقه حرستا نیز در زمین خسف می‌شود و سپس سفیانی خروج می‌کند.

مضمون حدیث فوق در روایات معتبر شیعی در العیبه نعمانی و شیخ طوسی نیز ذکر شده است:

خُسْفٌ بِقَرْيَةٍ مِنْ قُرَاهَا وَيَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِهَا. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۲۲)

وَيُخْسَفُ بِعَزِيٍّ مَسْجِدِهَا حَتَّى يَخْرَجَ حَائِطُهَا. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳)

خُسْفٌ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشْقَ يُقَالُ لَهَا حَرِسْتًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۶ و ۲۵۳).

از مقارنه احادیث فوق، چنین نتیجه می‌شود که: خسف واحد و احتمالاً ناشی از زلزله خواهد بود. به عبارت دیگر، از جمله حوادث قبل از خروج سفیانی (حاکم آینده منطقه شام در عصر ظهور)، زلزله دمشق قبل از ظهور در محور جابیه - حرستا خواهد بود که منجر به خسف و فرو رفتن زمین در این مناطق نیز خواهد گردید و نشانه بارز آن، تخریب بخش‌هایی از مسجد اموی دمشق است.

البته قرائن یاد شده فوق برای «وحدت خسف و احتمال زلزله دمشق»، نیز فراتر از یک احتمال نیست. زیرا نام بردن از دو مکان، ظاهر در «تعدد خسف» دارد، مگر آن که قرینه صارفه باشد.

عبارت سوم: وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَيْمَنِ

فرو ریختن قسمتی از مسجد دمشق یکی دیگر از حوادث این منطقه است. بنابراین در خلال درگیری و جنگ میان دو گروه متخاصم در شام که میان دو طرف درگیر (ابقع و اصهب) است، سلاح‌های جنگی پیشرفته و نظامیان پرچم‌های زرد، وارد معرکه جنگ می‌شود سپس باید منتظر خسف در ناحیه جابیه و حرستا بود. آن‌اه خروج مارقه الشام و سپس واقعه هرج الروم رخ خواهد داد. بنابراین «خسف دمشق در منطقه جابیه و حرستا»، علامتی بسیار مهم برای شروع حوادث بعدی خواهد بود؛ بدین معنا که ابتدا نظامیان «اخوان الترمک» بعد از «مارقه الشام» به مناطق شمال شرقی سوریه (جزیره الشام) حمله نظامی خواهند کرد و در ادامه «مارقه الروم» در رمله فلسطین در نزدیکی قدس اشغالی، نیروی نظامی مستقر خواهند کرد. مجموع این وقایع این‌گونه ترسیم شده‌اند:

مارقه الشام: خروج ساکنان نواحی هم مرز با ترک‌ها در منطقه شام

عبارت چهارم: مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ

چهارمین واقعه‌ای که به وقوع می‌پیوندد، ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام خروج خواهند کرد.

مارقه الشام؛ المارقة: الخارجين (ثعالبي، ۱۴۱۴: ۳۵۷) المروق عن الشيء: الخروج منه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۴۱)، مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ: وقتی تیر از کمان خارج می‌شود، به گونه‌ای که دیگر به آن تعلق ندارد را گویند. (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۵، ۴۱۶) الناحية: الجانب (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۹۶) الناحیه: الجهة (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۵۹)؛ من ناحیه التُّرْكِ: ای من جهه التُّرْكِ. مارقه الشام تخرج من جهة التُّرْكِ = خروج مارقه از سمت ترک‌ها. از این رو عبارت «مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام خروج خواهند کرد هم‌چون جدا شدن تیر از کمان «مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ» که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

هروج الروم: اختلاف، فتنه و قتل بین غربی‌ها

عبارت پنجم: يَغْتَبِهَا هَرْجُ الرُّومِ

پنجمین حادثه، وقوع هرج و مرج در روم و غرب است. الهرج: الاضطراب و الفتنه و القتل. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۶۸ و ۷۰)

مراد از هرج الروم

در این که مراد از هرج الروم چه می‌تواند باشد، چهار احتمال است که عبارتند از: فتنه، اختلاف، قتل و چه بسا جنگ بین رومی‌ها و کشورهای غربی؛ البته به قرینه احادیث دیگر، وقوع هرج الروم و جنگ بین غربی‌ها، قبل از ظهور بیشتر محتمل است. زیرا شعله‌های آتش جنگ و قتل قبل از ظهور، به رومی‌ها و غربی‌ها محدود نخواهد شد و جنگ در سراسر جهان شعله ور خواهد شد: «فَإِذَا خَالَفَ التُّرْكُ الرُّومَ وَكَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ». (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۱)

حمله اخوان التُّرْكِ به جزیره الشام در شمال شرق سوریه

عبارت ششم: سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ

ششمین واقعه، پیشروی نظامیان ترک تا جزیره الشام در شمال شرق سوریه است.



مراد از جزیره الشام

هرگاه جزیره العرب استعمال شود، مراد حجاز و عربستان است، اما اگر کلمه جزیره به تنهایی به کار رود مراد مناطقی از سوریه میان دجله و فرات است: الْجَزِيرَةُ: إِذَا أُطْلِقَتِ الْجَزِيرَةُ فِي الْحَدِيثِ وَ لَمْ تَضَفْ إِلَى الْعَرَبِ فَإِنَّهَا يِرَادُ بِهَا مَا بَيْنَ دَجْلَةَ وَ الْفِرَاتِ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۶۸) الْجَزِيرَةُ: وَ هِيَ التِّي بَيْنَ دَجْلَةَ وَ الْفِرَاتِ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ۱۳۴) مجاوره الشام تشتمل علی دیارمضرو و دیاربکر، سمیت الجزیره لأنها بین دجلة و الفرات (حموی، ۱۹۷۹: ج ۲، ۱۳۴)؛ بَعَثَ عَلَيَّ الْأَشْتَرَّ عَلَيَّ الْمَوْصِلِ ... وَ سِنَجَارَ ... وَ مَا غَلَبَ عَلَيْهِ مِنْ تِلْكَ الْأَرْضِينَ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ بَعَثَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ الصَّنْحَالِيَّ بْنَ قَيْسٍ عَلَيَّ مَا فِي سُلْطَانِهِ مِنْ أَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ كَانَ فِي يَدَيْهِ حَرَانُ وَ الرَّقَّةُ وَ الرَّهَاءُ وَ قَرْقِيسِيَا (ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۲)؛ بنابراین جزیره الشام، مناطق شمال شرق سوریه متصل به مرز عراق اعم از الحسکه، دیرالزور و الرقة در سوریه، اطلاق می شود.

حضور نظامی مارقه الروم در فلسطین در حمایت از یهود

عبارت هفتم: وَ سَتَقْبِلُ مَارِقَةَ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ

آخرین علامت قبل از خروج سفیانی، ورود بخشی از غربی‌ها به صحنه تحولات فتنه شام با حضور نظامی در منطقه رمله (نزدیک بیت‌لمقدس) در فلسطین است.

مراد از رمله:

رمله، منطقه‌ای از فلسطین است. در کتاب‌های جغرافیا رمله این‌گونه ترسیم شده است: الرمله: هی کوره من فلسطین و کانت دار ملک داود و سلیمان، بینها و بین البیت لمقدس ثمانية عشر یوما (حموی، ۱۹۷۹: ج ۳، ۶۹)؛ الرَّمْلَةُ: مدينة تقع وسط فلسطین إلى الجنوب الشرقي من تل أبيب (ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۷، ۱۲۲)؛ قرچانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۱۷-۱۱۸)؛ از اینرو رمله در فلسطین مراد می‌باشد. همان‌طور که در حدیث دیگری به صراحت به حضور نظامیان رومی در فلسطین قبل از خروج سفیانی (تنزل الروم، فلسطین) تصریح شده است. (طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱: ۴۶۳)

به نظر می‌رسد، حضور نظامی غربی‌ها در فلسطین برای حمایت از یهودیان اسرائیلی ساکن فلسطین اشغالی خواهد بود زیرا طبق احادیث (پورسیدآقایی، ۱۳۹۶: ۴۲) و نیز آیات سوره اسراء، یهودیان قبل از ظهور در فلسطین مستقر می‌شوند. (فتلاوی، ۱۴۲۲: ۱۳۵-۱۵۸)

و آشکار است که سفیانی بعنوان خط مقدم دفاع از یهودیان در منطقه شام، بعد از ظهور نیز

وارد جنگ با امام مهدی علیه السلام خواهد شد. چنان که روایات از شکست یهودیان که با شکست سفیانی ایجاد خواهد شد، سخن گفته اند:

... وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (اسراء: ۸). يَعْني إِِنْ عُدْتُمْ بِالسُّفْيَانِي عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (قی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۴: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۶:)

... اگر بازگردید، ما هم باز می گردیم یعنی اگر شما یهودیان با سفیانی برگردید، ما هم با قائم آل محمد علیه السلام باز می گردیم.

معناشناسی رایه الاصب و الابقع در فتنه شام قبل از ظهور

همان طور که بیان گردید، قبل از حضور سفیانی به عنوان حاکم دمشق، میان دو جبهه نظامی مخالف، رایه الاصب و الابقع بر سر قدرت و حکومت^۱ در منطقه شام، منازعه و جنگ در جریان است که در ادامه سفیانی نیز وارد صحنه تحولات فتنه شام شده و بر آنها پیروز خواهد شد.^۲

رایه اصهب

اصهب معانی متعددی دارد از جمله: صهب: و هو لونٌ من الألوان من ذلك الصُّهْبَةِ: حُمْرَةٌ فِي الشَّعْرِ (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۱۶) أَصْهَبٌ: يُقَالُ لِلإِبِلِ إِنْ خَالَطَتْ بِيَاضَهُ حُمْرَةً، فَهُوَ أَصْهَبٌ (ثعالبی، ۱۴۱۴: ۱۱۷) وَ رَجُلٌ صَيْهَبٌ: رَجُلٌ طَوِيلٌ (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۲۵: ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۳۳) الأَصْهَبُ: الأَسَدُ (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۵۷: ازدی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۷۸۸) الأَصْهَبُ: الَّذِي يَلْعُو لَوْنَهُ صُهْبَةً وَ هِيَ كَالشُّقْرَةِ وَ الْحَمْرَةِ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۳، ۶۲) صُهْبٌ السِّبَالُ: هُمُ أَعْدَاءُ الْعَرَبِ (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۶۶) وَ الأَصْهَبُ مِنَ الإِبِلِ: الَّذِي لَيْسَ بِشَدِيدِ الْبِيَاضِ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۳۲) وَ تَشْرِيفُهَا عَلَى سَائِرِ الإِبِلِ وَ فَجَعَلُوهَا خَيْرَ الإِبِلِ (ابن سیده، المحکم و المحيط الاعظم، ۱۴۲۱: ج ۴، ۲۰۹) وَ الصُّهْبَةُ: أَشْهَرُ الأَلْوَانِ وَ أَحْسَنُهَا (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۳۲)؛ بنابر این اصهب، به مرد بلند قامت (رجل طويل) سفید پوست و به سرخی می زند (إن خالطت بياضه حُمْرَةً) که در تحولات فتنه شام مخالف اعراب هست (أعداء العرب) و بر سایرین نیز برتری دارد (تشریفها على سائر الإبل و فجعلوها خير الإبل) اطلاق

۱. ثَلَاثَةٌ بِالسَّامِ كُلُّهُمْ يَطْلُبُ الْمَلِكَ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳)

۲. ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَأْيَاتٍ: رَأْيَةَ الأَصْهَبِ وَ رَأْيَةَ الأَبْجَعِ وَ رَأْيَةَ السُّفْيَانِي فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِي بِالأَبْجَعِ وَ يَقْتُلُهُ السُّفْيَانِي وَ مِنْ مَعِهِ وَ يَقْتُلُ الأَصْهَبَ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷)

می‌شود.

لازم به ذکر است، زبان روایات در بیان اسامی شخصیت‌های ظهور، نمادین، رمزآلود، کنایه‌ای و حاکی از حقایق و واقعیاتی است. (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ش ۳۸)

رایه الابقع

الابقع نیز معانی متعددی دارد از جمله الابقع: العرب، تنكح إماء الروم فیستعمل علی الشام أولادهم و هم بین سواد العرب و بیاض الروم. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۴۶) بقعان الشام خدمهم و عبیدهم لیبیاضهم و حمرتهم لانهم من الروم و فلقد كان حکام الشام یلقبون خدامهم من الروم بالابقع. (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۳، ۱۱۸۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۹) بنابراین، از فحوای معنای لغوی ابقع، بویژه از عبارت خدام رومی و اولاد العرب حاصل از ازدواج اعراب با رومی‌ها و استفاده از آنان در منطقه شام، چنین برداشت می‌شود که در فتنه شام قبل از ظهور، جبهه عربی معارض و مقابل جریان اصبه که در خدمت مصالح و منافع رومی‌ها نیز است، را جریان ابقع گویند. همچنین الابقع: الرَّجُلُ ذُو الْكَلَامِ الْكَثِيرِ (ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۹۵) و هو مخالفة الألوان بعضها بعضا يُقال غرابٌ أَبْقَعٌ و كَلْبٌ أَبْقَعٌ (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۸۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۸۴) الباقعة: الرجل الداهية، فلان سمي باقعه لخلوله بقاع الأرض و كثرة تنقيبه في البلاد. (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱، ۱۸۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۹) هم‌چنین این عبارات، نیز نشان می‌دهد تشکّل‌های نظامی جریان ابقع مرتبط با عرب‌ها و رومی‌ها که در جبهه مخالف جریان اصبه قرار دارند، موضع سیاسی واحد ندارند (ذوالکلام‌الکثیر) و به اشکال و اسامی مختلف درمی‌آیند (مخالفة الألوان بعضها بعضا) و در یک جا نیز متمرکز نیستند بلکه در مناطق مختلف شام، حضور نظامی دارند (کثرة تنقيبه في البلاد).

خروج سفیانی و تسلط بر دمشق

سفیانی به عنوان اولین نشانه حتمی قبل از ظهور «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَمَاتٍ مَحْتُومَاتٍ: السُّفْيَانِي» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۲) با پشتیبانی و حمایت مثلث «روم، یهود^۱ و خاندان آل فلان حاکم بر عربستان»^۳ و محور «غربی، عبری و عربی» با ورود از منطقه وادی

۱. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها است: يُقْبَلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳)

۲. سفیانی، مورد حمایت یهود است: «إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» (اسراء: ۸)، يَعْني إِنْ عُدْتُمْ {اليهود} بِالسُّفْيَانِي عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۶)

۳. آل فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت می‌کنند: يَا زُرَّازَةَ لَا تَبْدِي مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ... يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ.

یابس در جنوب غربی سوریه (منطقه حوران واقع در درعا در مرز اردن و سوریه)،^۱ بعد از غلبه بر دو قدرت معارض در فتنه شام،^۲ جریان اصهب و جریان ابقع که پیش از او بر سر قدرت و حکومت، منازعه و جنگ داشته‌اند،^۳ به عنوان حاکم منطقه شام و قدرت اول دمشق به کرسی ریاست تکیه خواهد زد؛ لکن حضور سفیانی به عنوان حاکم آینده دمشق^۴ در عصر ظهور، ناگهانی نخواهد بود؛ بلکه همان‌طور که بیان گردید، سلسله حوادثی در ضمن فتنه طولانی^۵ شام قبل از به قدرت رسیدن سفیانی (به عنوان حاکم دمشق) به وقوع خواهد پیوست^۶ که زمینه را برای ورود وی فراهم خواهد ساخت؛ مجموعه حوادثی که البته عرب‌ها و عجم‌ها،^۷ ترک‌ها^۸ و رومی‌ها^۹ را نیز درگیر فتنه طولانی شام خواهد کرد که حاکی از تضاد منافع و تنازع بلوک شرق و غرب در حوادث منطقه شام دارد

- (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۷) و سفیانی به عنوان هم‌پیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: فَيَبْتَدِرُ الْخَسْبِيَّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَبِثُ عَلَيْهِ أَهْلَ مَكَّةَ فَيَقْتُلُوهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ... وَيَبْعَثُ الشَّامِيَّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۲۵) این هماهنگی بین آل فلان و سفیانی در به شهادت رساندن سید حسنی، نفس زکیه قبل از ظهور می‌باشد (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۳۴) و حاکی از ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم دمشق سوریه در منطقه شام دارد که متعاقب شهادت نفس زکیه، شامی (سفیانی) لشکر نظامی خود از منطقه شام را به مدینه اعزام می‌کند ولی در منطقه بیداء، خسف خواهد شد.
۱. يَخْرُجُ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۱) وادی یابس، منطقه حوران واقع در درعا در جنوب غربی سوریه در مرز بین اردن و سوریه است. (حموی، ۱۹۷۹: ج ۵، ۴۲۴؛ کورانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۵۸)
 ۲. أَرْضُ الشَّامِ... يَخْتَلِفُونَ... عَلَى ثَلَاثِ زَايَاتٍ: زَايَةَ الْأَضْهَبِ وَ زَايَةَ الْأَبْقَعِ وَ زَايَةَ الشُّفْيَانِيِّ... فَيَقْتَتِلُونَ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰)
 ۳. ثَلَاثَةٌ بِالشَّامِ كُلُّهُمْ يَطْلُبُ الْمَلِكَ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳)
 ۴. الشُّفْيَانِيُّ... يَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِ دِمَشْقَ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۶ و مشابه آن: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۱) این عبارت، حاکی از قدرت رسانه‌ای حامی سفیانی و زمینه‌سازی برای به قدرت رسیدن وی می‌باشد که در رأس آن از حمایت قوی رسانه‌های غربی برخوردار است: الشُّفْيَانِيُّ... فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳)
 ۵. تَكُونُ بِالشَّامِ فِتْنَةٌ كُلَّمَا سَكَنَتْ مِنْ جَانِبٍ طَمَتْ مِنْ جَانِبٍ، فَلَا تَتَنَاهَى حَتَّى يُبَادِيَ مَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ أَمِيرَكُمْ (شافعی، ۱۴۲۸: ۷۵) لَا يَطْلَهُزُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ النَّاسَ بِالشَّامِ فِتْنَةٌ يَطْلُبُونَ الْمَخْرَجَ مِنْهَا فَلَا يَجِدُونَهُ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹. حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۳۶۸) بنابراین فتنه شام طولانی و تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت.
 ۶. نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۷.
 ۷. الإختلاف بين أمراء العرب و العجم، فلا يزالون يختلفون الى أن يصير الأمر إلى رجل من ولد أبي سفیان (محدث نوری، ۱۴۰۰: ۲۲۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۶۷).
 ۸. وَ يَجِيئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ... وَ سَيَقْبَلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۰؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۵۷)
 ۹. وَ يَجِيئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ... وَ سَتَقْبَلُ مَارِقَةَ الرُّومِ. (همو)

جمع بندی

بعد از اختلاف میان دو نیزه مخالف هم (دو جبهه نظامی) در سرزمین شام و جنگ بین دو طرف عمده درگیری‌ها «اِخْتَلَفَ الرُّمَحَانِ بِالشَّامِ» و کشته شدن بیش از صد هزار نفر (کنایه از کثرت کشته‌ها) در اثر جنگ بین دو طرف نزاع در منطقه شام «رَجَفَتْ تَكُونُ بِالشَّامِ تَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِائَةِ أَلْفٍ» و نیز بعد از به صحنه آمدن ادوات جنگی پیشرفته و ماشین‌های مجهز به پرتاب سلاح به تحولات فتنه شام «أَصْحَابِ الْبَرَادِ بَيْنَ الشُّهْبِ الْمَحْدُوقَةِ» و نیز بعد از ورود نظامیان پرچم‌های زردرنگ از غرب منطقه شام «الرَّيَاتِ الصُّفْرِ تَقِيلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ» در مرحله بعد از سلسله حوادث قبل از خروج سفیانی، جهان در انتظار خسف دمشق در محور «جاییه - حرستا» در عصر ظهور خواهد بود «خَسَفَ قَرْيَةٌ مِنْ دِمَشْقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْتَا، تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ»؛ «خسف حرستا و غوطه دمشق»، که به احتمال وقوع زلزله، یا رانش زمین در اثر باران‌های سیل‌آسا، یا حادثه‌ای سهمگین در اثر حمله نظامی با سلاح مرگبار یا انفجارهای قوی در زیر زمین که علاوه بر قتل انسان‌ها منجر به خسف و فرو رفتن در سطح زمین در محور جاییه - حرستا تفسیر شده است، دقیقاً در هنگام اختلاف دو جبهه مخالف هم در فتنه طولانی شام که در حال جنگ فرسایشی با یکدیگر هستند، رخ خواهد داد و نشانه آن علاوه بر خسف منطقه جاییه، تخریب بخش‌هایی از مسجد جامع اموی دمشق نیز خواهد بود «و تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقِ الْأَيْمَنِ».

خسف حرستای دمشق و خسف جاییه، خود علامت و نشانه‌ای است برای وقوع دیگر حوادث بعدی قبل از خروج سفیانی از جمله: آن‌گاه در مرحله بعد، خروج ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها (مارقه الشام) به وقوع می‌پیوندد «مَارِقَةٌ تَمُرُّقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» ولی طولی نخواهد کشید که ترک‌ها به جزیره الشام در شمال شرقی سوریه حمله خواهند کرد «سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ»؛ هم‌چنان که بخشی از رومی‌ها نیز در حمایت از یهودیان اسرائیل وارد منطقه رمله در فلسطین خواهند شد «و سَتَقْبِلُ مَارِقَةَ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ».

البته بعد از وقوع خسف جاییه - حرستا در دمشق سوریه و قبل از حمله ترک‌ها به جزیره الشام واقع در مناطق شمال شرقی سوریه، کشورهای غربی و رومی‌ها دچار اختلاف، قتل و چه بسا جنگ جهانی می‌گردند «هَزَجُ الرُّومِ»؛ از همین رو اخوان التُّرْكِ از این ضعف غربی‌ها و هرج‌وروم، کمال سوءاستفاده را برده و به مناطق جزیره الشام در شمال شرق سوریه لشکرکشی و حمله نظامی خواهند کرد. از این رو احتمال زلزله دمشق و به تعبیر صحیح‌تر «خسف جاییه - حرستا» خود علامتی مهم برای «هرج‌وروم» و احتمال جنگ بین غربی‌ها و غیرمسلمانان در

آینده و قبل از ظهور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

- بنابراین طبق احادیث صحیح و موثق، ترتیب «حوادث قبل از ظهور» در منطقه شام، به نقل از امام علی و امام باقر علیهما السلام در کتاب *الغیبه نعمانی* و *الغیبه شیخ طوسی* چنین است:
۱. اختلاف الرمحان بالشام: اختلاف بین دو نیزه و دو جبهه مخالف هم (رایه الاصبه و رایه الایقح) در منطقه شام؛
 ۲. رجفه بالشام: جنگ در منطقه شام یا احتمال زلزله در منطقه شام؛
 ۳. البراذین الشهب المحذوفه: ورود ادوات نظامی و ماشین‌های جنگی مجهز به پرتاب سلاح به صحنه فتنه شام؛
 ۴. الرایات الصفر تحل بالشام: دخالت نظامیان پرچم‌های زرد رنگ در صحنه تحولات میدانی فتنه شام؛
 ۵. ندا و صوت فتح از ناحیه دمشق: شنیده شدن بشارت فتح و پیروزی برای یکی از طرف‌های درگیر در فتنه شام؛
 ۶. خسف جابیه - حرستا دمشق در سوریه: احتمال وقوع زلزله یا حادثه‌ای سهمگین در اثر حمله نظامی با سلاح مرگبار یا انفجارهای قوی در زیر زمین؛ منجر به خسف و فرو رفتن در سطح زمین در محور جابیه - حرستا در دمشق سوریه؛
 ۷. فرو ریختن بخش‌هایی از مسجد جامع اموی دمشق؛
 ۸. مارقه تمرق من ناحیه الترتک: خروج ساکنان نواحی هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام؛
 ۹. هرج الروم: اختلاف، فتنه و قتل و جنگ بین رومی‌ها و غربی‌ها؛
 ۱۰. حمله اخوان الترتک به جزیره الشام: حمله ترک‌ها به مناطق شمال شرق (حسکه، رقه و

۱. هرچند قرائنی بر «وحدت خسف» در منطقه شام قبل از ظهور (زلزله دمشق در مجاور جابیه و حرستا) بیان گردید، لکن در فرض صحت «تعدد خسف» در منطقه شام قبل از ظهور، آن‌گاه ترتیب حوادث فوق نیز دست‌خوش تغییر است. بدین معنا که حدیث امام علی علیه السلام در *الغیبه شیخ طوسی* معروف به حدیث رجفه الشام (حدیث اول) قبل از خروج سفیانی و حدیث امام باقر علیه السلام در *الغیبه نعمانی* (حدیث دوم) بعد از خروج سفیانی رخ خواهد داد. در نتیجه در ادامه سلسله حوادث فتنه شام قبل از ظهور، جهان شاهد دو خسف در حرستا و جابیه خواهد بود که زمان آنها نیز متفاوت است. به عبارت دیگر، خسف حرستا قبل از خروج سفیانی و خسف جابیه بعد از خروج سفیانی رخ خواهد داد. زیرا در فرض تعدد خسف، احتمال دارد حوادث مذکور در حدیث جابر جعفی از امام باقر علیه السلام در *الغیبه نعمانی* که خسف جابیه نیز در زمره آنها قرار دارد، بعد از خروج سفیانی رخ دهد.

دیرالزور) در سوریه؛

۱۱. مارقه الروم در منطقه رمله فلسطین: ورود بخشی از غربی‌ها به صحنه تحولات فتنه

شام با حضور نظامی در منطقه رمله (نزدیک بیت المقدس) در فلسطین؛

۱۲. خروج سفیانی از وادی یابس در جنوب سوریه و تسلط بر دمشق.



منابع

- آیتی، نصرت‌الله، *تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
- ابن اثیر، محمد بن مبارک، *النهایه فی غریب الحدیث*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الاعظم*، بی‌جا، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن عباد، *المحیط فی اللغه*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ابن مزاحم، نصر، *وقعه صفین*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
- ابومخنف، لوط بن یحیی، *وقعة الطف*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- ازدی، عبدالله بن محمد، *الماء*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۷ ش.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغه*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- الهی‌نژاد، حسین، «نمادگرایی در نشانه‌های ظهور»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، ش ۳۸، ۱۳۹۵ ش.
- بروجردی، حسین، *نهایه التقرير*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۰ ق.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود، *مواجه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور*، *فصل‌نامه مشرق موعود*، ش ۴۲، ۱۳۹۶ ش.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، *فقه اللغه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم، ۱۳۷۶ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداه*، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۹ م.
- حنبلی، مرعی بن یوسف، *فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر*، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۷ ق.
- زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- زمخشری، محمود، *تفسیر الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
- رحمان ستایش، محمد کاظم، *توثیق وتضعیف قواعد توثیق راویان*، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۶ ش.



- رستمی، محمد علی، بررسی توصیفی تحلیلی کتاب الغیبه نعمانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
- ری شهری، محمد، دانش نامه امام مهدی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش.
- سفارینی نابلسی، محمد، احوال یوم القیامه و علاماتها الكبرى، دار المنار، قاهره، بی تا.
- شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار الممتظر، قم، مسجد جمکران، ۱۴۲۸ ق.
- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ق.
- شوشتری، نورالله، احقاق الحق، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۹ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، قم، وحدة النشر العالمیة، ۱۳۸۰ ش.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- عده محدثین، الاصول الستة عشر، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۳ ق.
- عباشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
- فتلاوی، مهدی حمد، سقوط اسرائیل من العلو والافساد الی الزوال، بیروت، دارالاسلامیه، ۱۴۲۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
- قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- کشی، محمد، الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کورانی، علی، معجم الأحادیث الإمام المهدی، قم، مسجد جمکران، ۱۴۲۸ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محدث نوری، حسین بن محمد، کشف الاستار عن وجه الغائب، بی جا، مکتبه نینوی، ۱۴۰۰ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

۱۳۶۸ ش.

- مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- _____، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مقدسی، مطهرین محمد، البدء والتاریخ، بی جا، مکتبه الثقافه الدینیہ، بی تا.
- نعمانی، ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم، الغیبه، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.



میزان

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

۳۶۸